

کتاب ایوب

جلسه ۳: ایوب به عنوان کتابی با اقتدار و الهام

نوشته جان والتون

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه سوم است، ایوب به عنوان کتابی با اقتدار و الهام.

سوالات مقدماتی [۱:۰۶-۰۰:۲۴]

بنابراین، مشکل اینجاست، اگر بسیاری از آنچه دوستان ایوب می‌گویند اشتباه است، و حتی اگر برخی از چیزهایی که خود ایوب می‌گوید اشتباه است، چگونه می‌توانیم در مورد این کتاب به عنوان کتاب درست صحبت کنیم؟ چگونه آن را دارای اعتبار می‌دانیم؟ چگونه این از جانب خدا آمده است؟ بنابراین، باید کمی در مورد ایوب به عنوان کتابی دارای اعتبار صحبت کنیم - ایوب به عنوان کتابی الهام گرفته از خدا. بنابراین، بیایید ببینیم چه چیزی به دست آورده‌ایم.

الهام: خدا به عنوان منبع آن [۱:۵۸-۱:۰۶]

اول از همه، باید اصطلاحات خودمان را بفهمیم. وقتی در مورد الهام صحبت می‌کنیم، منظورمان این است که کتاب منبعش خداست. الهام به معنای نوعی صدای زمزمه در گوش یا افکار کاشته شده در ذهن نیست. الهام نشان می‌دهد که منبع خداست. البته منظور عهد جدید هم همین است وقتی که از کلام خدا به عنوان دمیده شده توسط خدا صحبت می‌کند. منبع آن خداست. بنابراین، منظور ما از الهام همین است. لازم نیست فکر کنیم که خدا به نوعی افکار اشتباه را در گوش الیفاز یا صوفار یا بلدد زمزمه می‌کند. بنابراین، این الهام است - اقتدار.

اقتدار و واکنش مطیعانه ما [۲:۵۳-۱:۵۸]

مرجعیت به این معنی است که کتاب اطلاعاتی را ارائه می‌دهد که می‌توانیم به آنها تکیه کنیم. این همان چیزی است که مرجعیت با آن سروکار دارد. مرجعیت نشان می‌دهد که کتاب حق صحبت کردن دارد. و البته، این به دلیل الهام آن است. به موجب الهام از جانب خدا، کتاب حق صحبت کردن دارد و این به آن جایگاه معتبری می‌دهد. اما، نه تنها حق صحبت کردن دارد، بلکه در آنچه می‌گوید درست است زیرا مرجع خوبی است، نه مرجع بد. بنابراین اطلاعاتی را ارائه می‌دهد که می‌توانیم به آنها تکیه کنیم و باید تسلیم آنها شویم. اینگونه است که شما با مرجعیت پاسخ می‌دهید.

وحی و تشخیص پیام حکمت [۵:۱۹-۲:۵۳]

ما همچنین از کتاب به عنوان وحی صحبت می‌کنیم. ما کتاب مقدس را وحی خدا از خودش می‌نامیم. و این بدان معناست که ما این کتاب را درست و قابل اعتماد می‌دانیم، همان چیزهایی که با کلمات دیگر در مورد آنها صحبت کرده‌ایم. همچنین به ما می‌گوید که کتاب چه کاری انجام می‌دهد و چه کاری انجام نمی‌دهد. به بحث ما در مورد آنچه کتاب انجام نمی‌دهد، فکر کنید. این ایده که این وحی خدا از خودش است، به این معنی است که ما قرار است اعتبار کتاب را در وحی‌ای که به ما می‌دهد، پیدا کنیم. این وحی در آن پیام است که از طریق ادبیات حکمت‌آمیز موجود در آن تأیید می‌شود. و بنابراین، وحی و اعتبار آن بیشتر به پیام حکمت‌آمیز گره خورده است تا به خود روایت در سخنرانی‌ها. ما باید پیام را تشخیص دهیم زیرا بیشتر کتاب تفکر نادرست است. این کتاب برای تفکر نادرست وجود دارد. به طوری که با دیدن روش تفکر نادرست، فرصتی برای تلاش برای شناسایی روش تفکر درست داریم.

بنابراین، ما باید تشخیص دهیم که کتاب چه چیزی را به عنوان حقیقت تأیید می‌کند. همه چیز در محتوای کتاب نوعی حقیقت یا پیام واقعی را تأیید نمی‌کند. ما باید به عنوان خوانندگان دقیق، این را تشخیص دهیم. این کاری است که مفسران وفادار همیشه انجام می‌دهند؛ تشخیص می‌دهند که تأیید متن چیست. نمی‌توان روی دوستان ایوب به عنوان کسانی که حقیقت را می‌گویند حساب کرد، هرچند گاهی اوقات این کار را می‌کنند. و گاهی اوقات، دروغ آنچه می‌گویند فقط سایه‌ای از حقیقت است. به هر حال، اینها مؤثرترین دروغ‌ها هستند، دروغ‌هایی که بسیار شبیه حقیقت به نظر می‌رسند. اما به همین ترتیب، نمی‌توان به آنتاگونیست آسمانی برای گفتن حقیقت اعتماد کرد. باز هم، گاهی اوقات او این کار را می‌کند. در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

اقتدار در تاریخی بودن آن نیست [6:37-5:19]

شاید نکته‌ی دشوارتری که می‌خواهم با دقت به آن فکر کنید، این است که اعتبار کتاب به این بستگی ندارد که آیا روایت دقیقی از وقایع واقعی در گذشته‌ای واقعی است یا خیر. این از طریق روایت به عنوان حقیقت ارائه نمی‌شود. بلکه از طریق خرد به عنوان حقیقت ارائه می‌شود. این بدان معنا نیست که ما فقط فرض می‌کنیم روایت نادرست است یا هرگز اتفاق نیفتاده است، اما باید با دقت فکر کنیم. اعتبار در تاریخی بودن آن نیست، زیرا این نوع کتاب نیست. حقیقت به تاریخی بودن آن بستگی ندارد، اینکه آیا وقایع واقعاً اتفاق افتاده‌اند یا واقعاً وقایعی در گذشته‌ای واقعی هستند. حقیقت به این بستگی ندارد. این بدان معنا نیست که آنها اتفاق نیفتاده‌اند، اما ما فقط باید با دقت در مورد آن فکر کنیم. و در نهایت، چیزی که باید به آن علاقه‌مند باشیم، اعتبار کتاب است.

مشابه تمثیل‌های عیسی [7:41-6:37]

و این کتاب بیشتر از اینکه یک رویداد روایی را تأیید کند، بر آموزه‌های حکمت‌آمیز تأکید دارد؛ ما باید از این موضوع آگاه باشیم. این همان چیزی است که در مورد تمثیل‌های عیسی نیز اتفاق می‌افتد. آنها روایت هستند، اما عیسی آنها را به عنوان رویدادهای واقعی در گذشته‌ای واقعی ارائه نمی‌دهد. آنها نوعی واقع‌گرایی در خود دارند اما معمولاً برخی عناصر غیرواقعی نیز دارند که باعث می‌شوند تمثیل مؤثر باشد، یک محیط واقع‌گرایانه، اما برخی چیزهای غیرمعمول و حتی عجیب که اتفاق می‌افتند. این چیزی است که تمثیل را قابل اجرا می‌کند. ما همین موضوع را در مورد ایوب نیز می‌بینیم. من نمی‌گویم که این یک تمثیل است، اما به همان شکل، مانند تمثیل‌هایی است که به رویدادهای واقعی وابسته نیستند. از برخی جهات بسیار واقع‌گرایانه و از جهات دیگر بسیار غیرواقعی است. و در ادامه بیشتر در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد.

اقتدار در پیام خردمندانه‌اش [۷:۴۱-۱۰:۰۳]

بنابراین، اعتبار در تاریخ‌مندی نیست و حقیقت به تاریخ‌مندی وابسته نیست. اعتبار در پیام خردمندانه‌ی کتاب است، صرف نظر از اینکه این وقایع تا چه حد واقعی و در گذشته‌ای واقعی رخ داده‌اند. خرد به حقیقتی عمیق‌تر از خود وقایع دست می‌یابد. خرد به دنبال حقیقتی است که لزوماً نمی‌توان آن را صرفاً در جریان وقایع مشاهده کرد. ما می‌توانیم اتفاقاتی را که در زندگی خودمان رخ می‌دهند ببینیم و وقایع در مقابل ما هستند. اما با آنها چه می‌کنیم؟ چگونه در مورد آنها فکر می‌کنیم؟ چگونه به وقایع زندگی خود عاقلانه پاسخ می‌دهیم؟ حکمت به طور خودکار با آشکار شدن وقایع به دست نمی‌آید. حکمت زمانی حاصل می‌شود که ما به گذشته رویداد نگاه کنیم، عمیقاً به آن رویداد بنگریم و فراتر از رویداد را ببینیم تا حقیقتی را که باید ببینیم درک کنیم؛ حکمتی که می‌توانیم به دست آوریم. و به این معنا، حکمت از وقایع فراتر می‌رود. و همانطور که حکمت تمثیل‌های مسیح از وقایعی که او برای داستان‌هایش کنار هم می‌گذارد فراتر می‌رود، ما نیز این را در کتاب ایوب خواهیم یافت. حکمت به حقیقت عمیق‌تری دست می‌یابد. حقیقتی در ایده‌ها وجود دارد، حقیقتی که باید در ایده‌هایی که کتاب ارائه می‌دهد، چیزهایی که نمی‌توانیم ببینیم، درک کنیم. و به جای اینکه به آنچه دیده می‌شود متصل باشیم، این نوعی حقیقت است که حکمت فراتر از دید فوری ما به آن می‌رسد. و بنابراین ما باید به ایده‌هایی که کتاب ارائه می‌دهد نگاه کنیم. اینجاست که اقتدار کتاب به آن واگذار شده است.

شناخت خدا [۱۰:۰۳-۱۲:۰۳]

بگذارید یک فکر دیگر به شما بدهم. ما در مورد آن به عنوان وحی خدا از خودش صحبت می‌کنیم. با این حال، در نهایت، وحی‌ای که در این کتاب دریافت می‌کنیم کمی بیشتر در مورد نحوه عملکرد خدا است و کار نمی‌کند این کتاب فقط اطلاعات محدودی در مورد اینکه خدا کیست به ما می‌دهد. این یک مشکل است، مگر ما اینطور نیستیم؟ ما می‌خواهیم خدا را بشناسیم و احساس می‌کنیم می‌توانیم او را از طریق صفحات کتاب مقدس بشناسیم. اما

با این حال، اول از همه، احساس می‌کنیم که در شناخت واقعی او مشکل داریم، زیرا این رابطه با روابط ما با افرادی که هر روز با آنها روبرو می‌شویم و تعامل داریم، یکسان نیست و بنابراین، احساس می‌کنیم موانعی وجود دارد. بزرگترین مانع این است که او خداست و ما نیستیم. و بنابراین، او نمی‌تواند توسط ما خیلی عمیق شناخته شود. ما می‌توانیم او را تا حدی که خودش را آشکار کرده است بشناسیم، اما راه‌های او راه‌های ما نیستند. و بنابراین، ما نمی‌توانیم همه چیز را در مورد او بدانیم. هرچه بیشتر فکر کنیم که خدا به طور کامل توسط ما شناخته شده است، احتمالاً به همان اندازه که او را به تصویر خودمان ساخته‌ایم، شناخته شده است. بنابراین، باید تشخیص دهیم که محدودیت‌هایی در شناخت خدا وجود دارد که می‌توانیم به آنها دست یابیم.

تصویر کتاب مقدس و برنامه درسی از مکاشفه [۱۴:۲۳-۱۲:۰۳]

او آنچه را که در سر دارد آشکار کرده است، و با این کار، بخش‌هایی از وجود خودش را که می‌توانیم بدانیم آشکار کرده است. بگذارید برایتان مثالی بزنم. وقتی من یک برنامه درسی تهیه می‌کنم و آن را به دانشجویان می‌دهم، چیزی را برای آنها آشکار می‌کنم. من برنامه‌هایم را برای دوره، اهدافم را در دوره، و اینکه چگونه از آنها انتظار می‌رود در دوره شرکت کنند را برایشان آشکار می‌کنم. در واقع، برای اینکه در این تجربه یادگیری شریک شوند. اینها چیزهای مهمی هستند، و برنامه درسی برای همین است: آشکار کردن برنامه‌ها و اهدافم تا آنها بتوانند به عنوان شرکای فعال شرکت کنند. حال، اگر آنها به برنامه درسی بسیار توجه کنند، می‌توانند در مورد من به عنوان یک استاد، یک شخص و یک معلم چیزی را تشخیص دهند یا استنباط کنند. آنها حتی می‌توانند بفهمند که من منظم هستم یا نه، آیا استعداد طراحی دارم یا نه. آنها می‌توانند از روی آن برنامه درسی چیزهایی در مورد من بگویند. و از این نظر، این برنامه درسی سعی دارد کمی از من را آشکار کند، حتی اگر بر برنامه‌ها و اهداف من تمرکز داشته باشد.

فکر می‌کنم اگر کتاب مقدس را کمی شبیه یک برنامه درسی در نظر بگیریم، فایده‌ای دارد. در صفحات آن، خداوند برنامه‌ها و اهداف خود، پادشاهی خود و نقشی که ما در آن پادشاهی داریم را آشکار کرده است. او به ما به اندازه کافی داده است تا در کار او مشارکت کنیم، با او شریک باشیم. او ما را به تصویر خود آفریده است تا در یک فرآیند با او شریک باشیم. و بنابراین، او به اندازه کافی به ما داده است تا بدانیم برای مشارکت در برنامه‌ها و اهداف او چه کاری باید انجام دهیم. در طول مسیر، می‌توانیم چیزهای زیادی در مورد شخص او یاد بگیریم، اما محدودیت‌های بیشتری نیز وجود دارد.

خلاصه [۱۵:۱۷-۱۴:۲۳]

بنابراین، وقتی به کتاب ایوب و مکاشفه‌ای که به ما ارائه می‌دهد فکر می‌کنیم، متوجه می‌شویم که اطلاعاتی در مورد کار خدا، نحوه انجام کارها و نحوه تفکر او در مورد خودش به ما ارائه می‌دهد، اما قرار نیست تمام توضیحات مربوط به چرایی انجام کارهای خدا را ارائه دهد و این نگاه درونی و عمیق به استدلال خدا را به ما

ارائه دهد. ما باید در طول مسیر این تمایزات را مشخص کنیم. بنابراین، ما کتابی داریم که بخشی از کلام الهام گرفته از خداست. منبع آن در خداست. ما کتابی داریم که در آنچه تأیید می‌کند - پیام حکمت‌آمیزش - با اقتدار صحبت می‌کند. و از ما انتظار می‌رود که تسلیم آن اقتدار باشیم.

پیامدهای اقتدار و تسلیم ما در برابر آن [۱۶:۲۰-۱۵:۱۷]

وقتی کتاب مقدس را به عنوان مرجع معتبر بپذیریم، نمی‌توانیم به خودمان اجازه دهیم که آزادانه و با انتخاب‌های مختلف، یکی را انتخاب کنیم. بگوییم، خب، من آن بخش را می‌پذیرم و آن بخش را نمی‌پذیرم. به هر حال، ما آزادی نداریم که مثلاً به دولت‌هایمان پاسخ دهیم و بگوییم، ما این بخش از مالیات را پرداخت می‌کنیم، اما آن بخش را نه. ما تحت اقتدار هستیم. و وقتی پیام معتبر را تشخیص دادیم، متعهد می‌شویم که خود را به عنوان یک پیام الهام‌بخش که دارای اقتدار است، تسلیم آن پیام کنیم. و این پیام کمی در مورد چگونگی عملکرد و عدم عملکرد خدا به ما آشکار می‌کند. این نوع پیام حکمت‌آمیز است که در کتاب ایوب برای ما تأیید شده است. و ما می‌خواهیم هر ذره از آن را که می‌توانیم بفهمیم.

این دکتر جان والتون و آموزه‌های او در مورد کتاب ایوب است. این جلسه ۳ است، ایوب به عنوان کتابی با اقتدار و الهام. [۱۶:۲۰]